نویسنده: رضا لعلی ۲۴ /۱۱/ ۲۰۱۹

حکمتیار و عبدالله به دنبال چیستند؟

1-انتخابات نقش حکمتیار را از یک رهبر که ادعای پایگاه بلند مردمی داشت، به یک چهره در سطح احمد ولی مسعود و رحمت الله نبیل و... تقلیل داد. او که بعد از حکومت داود خان به کوه و دشت پناه برد و علیه حکومت کمونیستی دست به جهاد زد، یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های سیاسی در میان مجاهدین بود. به حمایت پاکستان تسلیحات فراهم می‌کرد و یک شورش همگانی را در جنوب و شرق در برابر حکومت خلق و پرچم بوجود آورد. هرچند بعدا پاکستانی‌ها، جای حکمتیار را با طالبان تبدیل کرد، اما حکمتیار همچنان یک ملیشه واجنت باقی ماند. حکمتیار بعد از حمله آمریکایی‌ها به افغانستان نیز دست از جنگ نکشید و ایده امارت حکومت مستبد دینی شبیه به عربستان و ایران را به سر می‌پروراند، اما همواره در تحقق ایده‌هایش ناکام بوده و حتی با آمدن به پروسه صلح نیز نتوانست امتیاز لازم را بگیرد و بلکه در سطح یک رهبر سیاسی جنایت کار و مزدور تقلیل یافت و نتایج انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری نشان داد که هیچ پایگاهی سیاسی و دینی و سنتی در میان جامعه ندارد. شکست حکمتیار و عدم استقبال عمومی از او، نوع عقده حقارت و سرشکستگی در آن بوجود آورده و ایشان به دنبال بهانه و فرصت برای جبران ناکامی‌هایش است. حکمتیار با نظم جدید و فرصت‌های جدید به کلی مخالف و ارزش‌های نو در کشور را مغایردین واصول سیاسی اش می‌داند. حکمتیار که سالها جنگ کرده و حتی به اندازه سیاف و ربانی هم در میان مردم ازمحبوبیت برخورد دار نیست. حال که در سال‌های آخر زندگی اش به سر می‌برد، یک بار دیگر خواب‌های گذشته را در سر می‌پروراند و همان طور که در گذشته به خاطر جاه طلبی جنگ کرد، ویرانی خلق کرده و تباهی را به جا گذاشت، حال نیز با جاه طلبی و زور گویی، برای خود جایگاه و پایگاه و قدرت سیاسی بلند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

را جستجو می‌کند و حتی به هر هزینه ای.

2-عبدالله که از سال 2009 به این سو تا هنوز نامزد ریاست جمهوری است وهیچگاهی طعم قدرت را به معنی واقعی اش نچشیده و یک سره زیر دست و فرمان بربوده، شکست در انتخابات 6 میزان را به معنی آخرین سقوط سیاسی خود تعبیر می‌کند. عبدالله از بادیگاردی مسعود تا سخنگویی و تا وزارت خارجه و سر انجام ریاست اجراییه رسید. مرد که پزشکی خوانده و فقط چانس روزگار او را به این‌جا رسانده و حتی در این سالها روی رشد و ظرفیت دانش سیاسی خود هیچ تلاش را انجام داده است و اگر به صحبت و سخنرانی‌هایش توجه کنیم، به این درک می‌رسیم که ایشان حتی روزنامه هم نمی‌خواند و اگر ساعت‌ها حرف بزند یک کلمه جدی و قابل تأمل را از میان صحبت‌هایش پیدا نمی توانیم. اما عبدالله همیشه چانس همرایش یار بوده و دو رگه بودن ایشان نیز باعث شده که پایگاهی سیاسی خوب پیدا کند. اگر نه عبدالله در میان جامعه تاجیک نه به اندازه یونس قانونی سواد و درک سیاسی دارد و نه به اندازه صالح و حتی به اندازه عطا هم نمی تواند صحبت کند ولی یک سره از قانونی و عطا پیش زده است. حتی فهیم را نیز دور زده بود. عبدالله در مدت که در مناسبات قدرت بوده، یک سره از حمایت مجاهدین برخورد دار بوده و حتی در آخرین مورد نیز چهره‌های جهادی و آنهای که در دهه هفتاد در برابر هم و در جنگ ویرانگر کشور نقش برجسته داشته، ایتلاف و برای دفاع از منافع شخصی خود از عبدالله استفاده و از او حمایت کرده است.

نتیجه گیری:

ایتلاف حکمتیار و عبدالله که در واقع در دهه هفتاد دشمنان قسم خورده بود و در آغازجهاد دوستان گرمابه، اما حال هردو به خاطر منافع مشترک و شکست مشترک و آینده مشترک دست دوستی می‌دهد. عبدالله که خود را نماینده جمعیت اسلامی می‌داند، تا مدت‌ها حکمتیار را قصاب کابل و عامل بم باران کابل می‌دانست و در صورت که خود جمعیت اسلامی نیز در آن جنگ ها دست بالا داشت. حکمتیار روند رو به رشد کنونی را به ضرر شخصی خود می‌داند و خطر از این دارد که نه شود در فردای روز حتی همین امتیاز کنونی هم گرفته شود. حکمتیار با طالبان ارتباط نزدیک دارد و امارت اسلامی را به نفع خود می‌داند. به این خاطر از هرگونه تلاش برای آمدن طالبان و تغییر نظام سیاسی استقبال می کند و آخرین تیرخود را نیز می‌زند. او برای آینده کشور فکر نمی کند و بلکه اعمال کننده سیاست‌های دیگران است. حتی امکان دارد، دلش برای ویرانی و تباهی دهه هفتاد و سالهای که به پروسه صلح نیامده بود، دیق شده باشد. عبدالله از شکست که در پیش رو دارد، دست به دامن حکمتیار شده و دست به ایتلاف زده که مطمینا ایتلاف نافرجام و مثل گذشته به جان هم خواهد افتاد. حال پرسش اصلی این است که مردم با درک گذشته حکمتیار و عبدالله به صدای آنها لبیک خواهد گفت؟ باور شخصی من این است که مردم از چهره این‌ها و از ایده این ها و حتی از سیاست این ها نفرت دارد و هیچ گاهی به خواست این‌ها به میدان نمی آید.

(برگرفته از برگه فیسبوک احمدجاوید)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ